

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده: محمود شاداب
۳۰ نومبر ۲۰۱۸

[آبشار گل]

حوض گل و شکوفه گل و آبشار گل
اکنون که از تصرف بیگانه شد خلاص
هرکس که زان محاصره آزاد کرده اش
گر آب رفته باز به جویش نمی رسید
صرف نظر ز منزل ویران چرا کنم؟
در دست تربیت اثر و فیض دیگر است
عمریست انتظار ترا می کشم، بیا
آن خاک توده باز چو باغ حرم شده
تنها به چشم عشقوری خوبان عزیز نیست
بالاحصار ماست که دارد هزار گل
ای باغبان هر آنچه توانی بکار گل
تا حشر نام او نکند کردگار گل
می شد چراغ خانه بالاحصار گل
هرگز کسی نکرده چراغ مزار گل
رنگ دگر کشد ز نسیم بهار گل
چیدست چشم من به رخت صد قطار گل
از هر کنار سر زده با افتخار گل
یعنی که هیچ جا نبود بی وقار گل